



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com

کاشمش

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

عصری با
ناهار خوران گرگان



۲

کشاورزان نسبت به
تهیه کود پایه اقدام کنند



۲

۱۰۰ کیلوگرم خاویار
در گلستان فرآوری شد



۳

یادداشت اول

نام نیک رفتگان

■ با مسوولیت سردبیر

بارها گفته و نوشته ایم که به تعبیر مولا علی (ع) الفرصه تمر مرالسحاب، فانتزهوا فرص الخیر. فرصت ها می گذرد چون گذشتن ابرها، پس دریابید فرصتهای نیکو را و خواسته ایم تا مدیران و مسوولان گرامی قدر فرصتهای پیش رو در خدمت به شهروندان را بدانند. یکی از این فرصتها گرامی داشت نام بزرگان هنر و ادب هر ملتی است، زیرا ملتها به واسطه طرح نام بزرگانشان می توانند علاوه بر مباحثات به گذشته تاریخی خود، آموزهای بسیاری از آنها بیاموزند. برای نمونه مناسبتهای همین چند روز را ببینید، چهارم شهریور سالروز درگذشت مهدی اخوان ثالث شاعر بزرگ معاصر در ۱۳۶۹ بود، سالمرگ شاعری که یکی از قله های ادب معاصر است و یا نهم شهریور درگذشت صمد بهرنگی نویسنده ماهی سیاه کوچولو است که قصه ای به یاد ماندنی است و به چندین زبان ترجمه شده است و یا امروز سیزدهم شهریور ماه بزرگداشت ابوریحان بیرونی ستاره شناس و منجم و دانشمند بزرگ ایرانی صاحب کتاب تحقیق ماللهند است که آثار و نوشته هایش سالها مورد بحث و بررسی بوده است، ناگفته پیداست این انسانها وظیفه خود را به انجام رسانده اند و اینک تنها نام و آثارشان بر جای مانده است، اما ما می توانیم به بهانه تولد یا سالمرگ آنها درباره نوشته ها و آثار آنها سخن بگوییم، آثار آنها را به نقد و بررسی بگذاریم و از این رهگذر علاوه بر ارتقای دانسته های معاصران، زمینه ارتقای فرهنگی هر چه بیشتر جامعه را فراهم آوریم. بزرگداشت نام نیک رفتگان خصوصا اگر آن رفتگان نویسندگان، دانشمندان، اهل هنر و قلم باشند یک وظیفه برای همه لایه های مدیریت فرهنگی در کشور است. هویت یک ملت و ریشه های تاریخی یک ملت را تنها می توان در میان نوشته ها و آثار بر جای مانده آن ملت یافت و جستجو کرد، تصور اینکه نام بزرگان با نادیده انگاری محو می شوند توهمی نادرست است. کاش قدر بزرگان خود را بیشتر می دانستیم. آن چنان که استاد سخن سعدی شیراز فرمود:

نام نیک رفتگان ضایع مکن
تا بماند نام نیکت ماندگار



بازگشت آشوراده
به مردم
« ۱ »



سینما
« ۴ - ۵ »



اعزام ۲۵۰ زائر گلستانی
به نجف اشرف
« ۳ »

کشاورزی حفاظتی یک ضرورت است

برداشت، عواملی هستند که اگر مدیریت و کنترل نشوند کشاورزی پایدار و امنیت غذایی را به خطر می اندازند. برای اعمال کشاورزی حفاظتی و رسیدن به کشاورزی پایدار و امنیت غذایی، برنامه ریزی و مدیریت لازم الزامی است. باید کشاورزی با رعایت ملاحظات اقلیمی در هر منطقه انجام شود، زیرا ایران دارای ۱۱ اقلیم متفاوت از ۱۳ اقلیم جهان است و اجرای نسخه واحد برای کل ایران عاقلانه نیست...

ادامه در صفحه ۲

درآمد کشاورزان و بالاخره بهبود امنیت غذایی مردم است. کمبود آب، مصرف بی رویه، آبیاری غلط، کشت انواع و ارقام زراعی با نیاز آبی بالا، آلودگی آب، خاک و هوا، تخریب ساختار خاک با شخم عمیق و تردد بی جا در مزرعه، انهدام پوشش گیاهی به ویژه جنگلزدایی، توسعه قطب های صنعتی به ویژه انواع پر مصرف آن، رشد بی رویه جمعیت انسان و دام، تغییر کاربری، استفاده بیش از حد و غالبا خود سرانه از سموم و علف کش ها و کودهای شیمیایی، سوزاندن بقایای کشاورزی پس از

نوروز علی حسن عباسی _ کشاورزی حفاظتی با هدف حفظ و بهبود کیفیت فیزیکی و شیمیایی خاک، بهسازی بستر رویش بذر، حفظ عناصر زنده سازنده خاک، کاهش مصرف آب، جذب حداکثری بارش ها، و تقویت آبخوان ها (منابع آب زیرزمینی) کنترل سیلاب ها، تعدیل آب و هوا به ویژه از نظر افزایش رطوبت و بارندگی و کاهش خشکی و گرما، کاهش مصرف کودهای شیمیایی، خود اشتغالی در روستاها، افزایش میزان تولید در واحد سطح، کاهش هزینه ها، افزایش

اطلاعیه سخنرانی های اربعین حسینی (ع) در محمدیه شریف موسوی

سخنرانان	برنامه سخنرانی های اربعین حسینی (ع) محمدیه شریف موسوی
جناب رمضان خواجه / جناب حجه الاسلام صبوری	دوشنبه / سیزدهم شهریور
جناب حسین کبیر / جناب حجه الاسلام صبوری	سه شنبه / چهاردهم شهریور
جناب احسان مکتبی / جناب حجه الاسلام صبوری	چهارشنبه / پانزدهم شهریور

نشانی: خیابان امام رضا (ع) کوچه پنجم، محمدیه شریف موسوی

برنامه ها از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ برگزار می شود.
در پایان نماز مغرب و عشا برگزار می شود.

تصحیح

با عرض پوزش از خوانندگان عزیز در مطلب تیر اول ۱۴۰۲ (فضای کسب و کار گلستان) شاخص های فضای کسب و کار در گلستان در سال ۹۷ با عدد شاخص ۶/۲۷ رتبه ۴ آمده که صحیح آن رتبه ۱۶ در بین ۳۱ استان کشور میباشد که بدینوسیله تصحیح میگردد.

ادامه تیر اول



مادی دولت، بانک ها و صاحبان سرمایه و صنایع وابسته به کشاورزان شرایط را برای کشاورزی حفاظتی مهیا کرد.

عضو بازنشسته هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

و دامپروری به صورت جدی پیگیری شود، و با تشکیل و حمایت از تعاونی های تولید روستایی جهت عرضه مستقیم محصولات کشاورزی، تدوین نرخ تضمینی برای خرید و فروش و بالاخره کوتاه کردن دست واسطه ها. حمایت

علاوه بر این باید حفظ تمامیت ارضی زمین های کشاورزی، همزمان یکپارچه سازی اراضی و جلوگیری از فروش یا تغییر کاربری زمین های کشاورزی به مسکن و کارگاه و تاسیسات صنعتی، گردشگری، آموزشی، درمانی

نکته دیگر آنکه کشاورزی بر اساس شاخص های عمده خاکشناسی، زمین شناسی و توپوگرافی منطقه انجام شود و انتخاب و کشت انواع و ارقام زراعی، مقاوم و پر محصول و کم نیاز به تناسب ملاحظات اقلیمی و خاکی منطقه صورت پذیرد در کنار اینها باید اصلاح روش آبیاری و استفاده از شیوه های مدرن آبیاری (قطره ای، بارانی، مه پاشی) و یا شیوه های مدرن کشت عمودی، آب کشت (هیدروپو نیک) هواکشت (آئروپونیک) کشت صنعتی در گلخانه در دستور کار قرار گیرد و برای بالا بردن دانش و مهارت کشاورزان توسط مروجین کشاورزی و استفاده حداکثری از تجارب جهانی، علم و فناوری، ماشین آلات مدرن برای خاک ورزی و کشاورزی حفاظتی هم چنین استفاده از نتایج تحقیقات داخلی و خارجی مورد بهره برداری قرار گیرد.



خبر

کشاورزان نسبت به تهیه کود پایه اقدام کنند



مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان از کشاورزان خواست تا بر اساس آزمون خاک نسبت به تهیه کود پایه خود اقدام کنند. به گزارش روابط عمومی، سید صمد ضیایی گفت: کشاورزان حتما آزمون خاک را در دستور کار خود قرار دهند تا بر اساس آن نسبت به تهیه کودهای پایه از ته، فسفات و پتاس اقدام کنند. وی افزود: از ۱۵ شهریور ماه، سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ آغاز می شود و کشاورزان در حال آماده سازی بستر برای کشت محصولات پاییزه هستند. ضیایی گفت: کشاورزان برای اینکه تولید و به دنبال آن درآمدها تحت تأثیر قرار نگیرند، حتماً به توصیه های فنی و کارشناسی توجه دقیق داشته باشند. وی بیان کرد: با توجه به اینکه در گلستان سالانه دو بار محصول کشت می شود خاک نیازمند مواد غذایی است تا بتواند محصول بعدی را به شکل مناسب به ثمر برساند. ضیایی ادامه داد: حد مطلوب عناصر غذایی شامل فسفر ۱۲ الی ۱۵ پی ام، پتاس ۲۵۰ الی ۳۰۰ پی ام، ازت کل ۲/۰ الی ۱۳/۰ درصد است و پائین تر از این میزان حد بحرانی تلقی می شود. وی افزود: به کشاورزان توصیه می شود با انجام آزمون خاک، از وضعیت خاک مزرعه خود مطلع شوند و بر اساس آن نسبت به تهیه کودهای پایه اقدام کنند.

»»»

سرپرست بهزیستی گلستان معرفی شد

سرپرست اداره کل بهزیستی گلستان معرفی شد. به گزارش روابط عمومی، طی حکمی از سوی علی محمد قادری معاون وزیر و رئیس سازمان بهزیستی علیرضا طاهری زاده به عنوان سرپرست اداره کل بهزیستی استان گلستان منصوب شد. این مراسم با حضور سید محمدجواد حسینی سرپرست معاونت مشارکت های مردمی سازمان بهزیستی کشور، سیدعلی مهاجر معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان و تعدادی از مدیران کل استان برگزار شد. گفتنی است در پایان مراسم حکم انتصاب طاهری زاده توسط سید محمد جواد حسینی مشاور و معاون رئیس سازمان بهزیستی کشور اهدا و از زحمات عارف کیانی مدیرکل سابق اداره کل بهزیستی گلستان تقدیر شد.

عصری باناهارخوران گرگان

به نظر می رسد دلیل نامگذاری این مکان متناسب با نوع استفاده ای که از آن می شد، نزدیک است، چرا که این محل تقریباً در میانه حد فاصل بین شهر استرآباد و گرگان امروزی با روستای زیارت واقع شده و افرادی که این مسیر را طی می کردند در این ناحیه یک وعده غذا صرف می کردند که اغلب وعده ناهار بحساب می آمد، و همچنین به نظر می رسد محل اصلی که به این نام شناخته می شد محدوده ای که امروز میدان ناهارخوران در آن قرار دارد، باشد. اخوان ادامه داد: در این محدوده برابر اسناد تاریخی چند آبادی که ساکنانی هم داشته اند، وجود داشت و حتی آثاری که از این ناحیه به دست آمده از جمله مجسمه نیمه کاره مربوط به عصر اشکانی نشانگر آن است که شاید در این منطقه کارگاه مجسمه سازی وجود داشته است.



ساله است که این پارک جنگلی کم نظیر بدون متولی و مسئول کاردان رها شده و همین امر باعث گردید ساخت و سازهای بی رویه و جاده سازی مخرب محیط زیست و ... این پارک را به شدت در خطر نابودی انداخته و اگر می خواهیم کاملاً از بین نرود باید بار استفاده از آن را کم کرده و به مناطق دیگر منتقل کنیم. قائمی به وجود زیستگاه گونه های جنگلی، گیاهی و حیات وحش در این منطقه که بخشی از جنگل های هیرکانی است، اشاره کرد و گفت جنگل های هیرکانی که بازمانده قدیمی ترین جنگل های کره زمین هستند، ذخیره و منبع ارزشمندی است که در اختیار ماست و باید در حفظ و نگهداری آن اقدامات موثر انجام گیرد. محمود اخوان مهدوی پژوهشگر تاریخ و فرهنگ گرگان و کارشناس اسناد تاریخی به بیان تاریخچه ناهارخوران بر اساس اسناد تاریخی پرداخت و گفت: اینکه از چه زمانی نام این منطقه ناهارخوران شده، سندی وجود ندارد اما این نوع نام گذاری به زمان تیموری نزدیک است. وی افزود:

برگزاری نشست آغاز کرد. علی نصیبی به اهمیت حفظ مواهب طبیعی خدادادی اشاره داشت و از ناهارخوران به عنوان کهن بوم این دیار یاد کرد که می بایست در کنار بهره مندی درست از آن، در حفظ آن کوشا بود. اولین سخنران این نشست مهندس رضناعلی قائمی از کارشناسان برجسته حوزه محیط زیست ایران بود که ضمن بیان تاریخچه ای از شکل گیری مناطق حفاظت شده و پارک های جنگلی، به معرفی طبیعت ناهارخوران پرداخت. قائمی اولین منطقه طبیعی حفاظت شده تاریخ را متعلق به ایرانیان در عصر هخامنشیان معرفی کرد و سپس به چگونگی تثبیت مناطق حفاظت شده و پارک های جنگلی در ایران و گرگان اشاره داشت و ضمن تجلیل از اقدام موثر مهندس محمد عابدی موسس آموزشگاه جنگل گرگان و دانشگاه کنونی علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، در اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی برای ثبت و اعلام رسمی ناهارخوران به عنوان پارک جنگلی یاد کرد. این فعال محیط زیست در ادامه با نقد مدیریت این پارک گفت: متأسفانه

گلشن مه‌ر - عصر روز دوشنبه، ششمین روز شهریور ماه، تالار اندیشه موسسه فرهنگی میرداماد میزبان جمع زیادی از علاقمندان به تاریخ و فرهنگ گرگان زمین بود تا در نشستی دیگر از سلسله نشست های فرهنگی آشنایی با سرزمین مادری شرکت کنند. موضوع این نشست، ناهارخوران، در نظر گرفته شد، پارک جنگلی و تفرجگاهی که با زندگی مردم گرگان گره ناگسستی خورده و گویی به تابلو و شناسنامه این شهر تبدیل شده است. سالن ساعت ۵ عصر پذیرای شرکت کنندگان بود و برابری رویه نیکویی که موسسه فرهنگی میرداماد برای برنامه های خود پایه ریزی کرده، مراسم راس ساعت و بدون تاخیر آغاز شد. در ابتدای نشست کلیپ تصویری حاوی برخی فیلم هایی که افراد مختلف در مقاطع گوناگون از ناهارخوران گرفتند و همچنین تعدادی عکس فصول مختلف سال از ناهارخوران به نمایش درآمد و مجری برنامه که خود از فعالان اجتماعی و فرهنگی گرگان است، برنامه را با خیر مقدم به حاضرین و بیان چرایی

گلشن‌مه‌ر

۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶

۱۰۰ کیلوگرم خاویار در گلستان فرآوری شد



مدیر امور ماهیان خاویاری گلستان گفت: از ابتدای دولت سیزدهم بیش از ۱۰۰ کیلوگرم خاویار در مرکز استان فرآوری و بخش عمده آن به کشورهای اروپایی، آمریکایی و اوراسیا صادر شد. سیدمصطفی عقیلی نژاد به روزرسانی استانداردهای مرکز فرآوری ماهیان خاویار آشوراده را یکی از اقدامات شاخص اجرایی در ۲ سال اخیر دانست و اظهار کرد: این مرکز با داشتن کد اتحادیه اروپا نزدیک به ۲ دهه در حوزه فرآوری ماهیان خاویاری فعالیت دارد. وی افزود: سال گذشته استانداردهای ملی و بین المللی این مرکز به روزرسانی و ۲ استاندارد جدید اخذ شد که بر اساس آن امکان فرآوری ماهیان پرورشی ایران و صادرات خاویار در این مرکز فراهم گردید. به گفته وی در ۲ سال گذشته بیش از ۱۰۰ کیلوگرم خاویار مربوط به ماهیان پرورشی چهار استان فارس، مازندران، گیلان و گلستان در این مرکز فرآوری شد که با همکاری اداره کل دامپزشکی استان گلستان بخش عمده‌ای از خاویار فرآوری شده در این مرکز به کشورهای مختلف اروپایی، اوراسیا و آمریکایی صادر گردیده است. مدیر امور ماهیان

رئیس جمهور چهار پیشنهاد برای کمک به ساماندهی وضعیت فعلی آماده کردیم که امیدواریم به عنوان مصوبه نهایی شود. وی افزود: این مصوبات شامل جابجایی سکونتگاه‌های صیادی و مراکز نظارت بر صید در حوزه شهرستان‌های گمیشان و بندرگز، احداث پل‌های پهلوگیری شناورها در محدوده شهرستان بندر ترکمن و مطالعه و تدوین برنامه راهبردی در حوزه حفاظت و احیای ذخایر ماهیان خاویاری است. عقیلی نژاد بیان کرد: موافقت استانی برای ایجاد موزه ماهیان خاویاری در قالب موزه طبیعت گردی جزیره آشوراده با همکاری اداره کل میراث فرهنگی اخذ شد و پیگیری دریافت مجوز نهایی از وزارت میراث فرهنگی هستیم. وی تاکید کرد: صید ماهی خاویاری از سال ۲۰۱۰ میلادی در دریا ممنوع شد و هیچ کشوری در حاشیه دریای خزر حق صید با هدف تجارت را ندارند چون ذخایر ماهیان خاویاری به شدت آسیب دیده و هدف گذاری فقط تکثیر ماهیان مولد و بازسازی ذخایر در اختیار با هدف احیای نسل این نوع از ماهیان است. عقیلی نژاد فرآوری و صادرات خاویار و ارائه خدمات به پرورش دهندگان خاویار بر اساس استانداردهای روز دنیا را از مهمترین وظایف مجموعه امور خاویاری گلستان برشمرد و گفت: این مجموعه در قالب چهار صیدگاه فرید پاک در مرز ایران ترکمنستان، صیدگاه ترکمن، صیدگاه آشوراده و صیدگاه میانکاله در طول نوار ۱۰۰ کیلومتر ساحل استان گلستان فعالیت دارد که آشوراده مرکز اصلی فرآوری خاویار شناخته می‌شود. به گزارش ایرنا، گلستان به عنوان مرکز تولید و پرورش ماهیان خاویاری و محل صید تکثیری این گونه به شمار می‌رود و طی چند سال تلاش‌هایی برای جلوگیری از انقراض آن انجام شده تا با اجرای برنامه‌های پرورش و تکثیر مصنوعی برند خاویار برای ایران و استان حفظ شود. از ویژگی‌های گلستان برای توسعه مزارع پرورش خاویار، وجود سفره‌های آب زیرزمینی شور به عنوان پیش‌نیاز تولید این گونه آبی بوده که استان را به مرکزی مستعد برای رونق بخشیدن به راه اندازی مزارع تولید خاویار کرده است.

خبر

اعزام ۴۵۰ زائر گلستانی به نجف اشرف



مدیرکل فرودگاه‌های گلستان از جا به جایی ۴۵۰ نفر از زائرین اربعین حسینی (ع) از فرودگاه بین المللی شهدای گرگان به نجف اشرف خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی متانت گفت: ۴۵۰ نفر زائر ابا عبدالله الحسین (ع) با دو پرواز از فرودگاه گرگان به نجف اشرف عزیمت کردند. وی افزود: فرودگاه بین المللی شهدای گرگان در مراسمی که بدین منظور در سالن پروازهای خارجی برگزار شد زائران را با چفیه‌های مزین به لیبیک یا حسین برای آغاز این سفر نورانی بدرقه کرد. مدیرکل فرودگاه‌های گلستان گفت: این سه پرواز در زمان مقرر بدون تأخیر فرودگاه بین المللی شهدای گرگان را به مقصد نجف اشرف ترک کردند. وی اظهار کرد: از زمان آغاز عملیات پروازهای ویژه اربعین تعداد ۱۱ پرواز رفت و برگشت از گرگان به مقصد نجف اشرف انجام خواهد شد و عملیات انتقال و بازگشت زائران از ۱۵ شهریور تا ۱۷ شهریور ادامه خواهد داشت.



گلستانی‌ها سفرهای خود را به هفته آینده موکول کنند

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان از هم استانی‌ها درخواست کرد تا حدامکان سفرهای خود را به پس از پایان موج اول بازگشت زائران موکول کنند. به گزارش روابط عمومی، عادل مصدقی گفت: در حال حاضر جهت ارائه بهترین خدمات به زائرین اربعین حسینی، تمام ظرفیت ناوگان اتوبوسی استان در اختیار این امر قرار گرفته است. مصدقی از هم استانی‌ها درخواست کرد تا حد امکان سفرهای خود را به پس از پایان موج اول بازگشت زائران موکول کنند. وی افزود: از ابتدای اجرای طرح جابجایی اربعین تا روز جمعه ۱۰ شهریور ۱۸۶ سفر برای ۶ هزار و ۲۳۳ زائر از مهران به استان صورت گرفته است. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای گلستان گفت: روز شنبه نیز ۷ سفر برای ۲۵۸ زائر از مهران به مقصد گلستان انجام شده است. به گفته مصدقی، تعداد زائرینی که طی این مدت از گرگان به مرز مهران هم رفتند ۸ هزار و ۴۰۳ زائر با ۳۴۳ سفر بوده است.

ابلاغی وزارت بهداشت افراد با مدرک کارشناسی مرتبط مانند مامایی، بهداشت عمومی، بهداشت محیط و پرستاری هم می‌توانند بعد از گذران دوره آموزشی در جایگاه بهورز به مردم خدمات ارائه می‌دهند. وی ادامه داد: بر اساس آخرین آمار ۱۶۲ نفر از بهورزان فعال در سطح خانه‌های بهداشت روستایی گلستان دارای مدارک کارشناسی هستند. معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: سال ۱۴۰۱ مجوز جذب ۲۰۴ بهورز برای استان از وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی اخذ و ۲۹ اردیبهشت امسال آزمون برگزار شد و بعد از انجام کارهای گزینش و حضور ۶ ماهه ۲ سال این افراد در کلاس‌های آموزشی بر اساس مدرک دیپلم و کارشناسی و کسب نمره قبولی شاهد فعالیت آنان در خانه‌های بهداشت خواهیم بود.

هزار و ۱۶۱ بهورز در خانه‌های بهداشت روستایی مشغول فعالیت هستند

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: هزار و ۱۶۱ بهورز شامل ۷۷۲ بهورز زن و ۳۸۹ بهورز مرد در ۵۹۳ خانه بهداشت روستایی فعال استان خدمات متعدد مربوط به برنامه‌های سلامت از زمان مراقبت پیش از بارداری تا سالمندی را ارائه می‌دهند. به گزارش روابط عمومی، موسی‌الرضا شیبی با تبریک روز بهورز (۱۲ شهریورماه) اظهار کرد: در گذشته مدرک مورد نیاز برای بهورزی دیپلم و زیر دیپلم بود و بعد از ۲ سال آموزش افراد می‌توانستند به عنوان بهورز در خانه‌های بهداشت فعالیت کنند اما در چند سال اخیر طبق دستورالعمل

با برآورد هزینه پنجاه میلیارد تومان با هدف استیفای حقوق ساکنان بافت و جذب گردشگر انجام خواهد شد. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار نیز گفت: در این مرحله محله امامزاده نور به دربند و مسجد گلشن مرمت می‌شود. مهدی مهبایی افزود: امید است با هم افزایی دستگاه‌های اجرایی این طرح به خوبی اجرا شود. همچنین محمدرضا سیدالنکی، شهردار گرگان با اشاره به اینکه در این مرحله کار جداره سازی و کف سازی توسط شهرداری انجام خواهد شد، گفت: سعی داریم این پروژه را تا پایان سال به مرحله اجرایی برسانیم. بافت تاریخی و قدیم گرگان با ۱۵۶ هکتار وسعت یکی از با ارزش‌ترین بافت‌های تاریخی کشور و متعلق به دوره قاجار است. بافت گرگان پس از اصفهان و یزد، سومین بافت با ارزش معماری کشور به شمار می‌رود.

عملیات مرمت بافت تاریخی گرگان آغاز شد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از آغاز عملیات مرمت بافت تاریخی گرگان با ۵۰ میلیارد تومان اعتبار خبر داد و گفت: مرمت یکی از محله‌های ششگانه بافت تاریخی گرگان آغاز شد. به گزارش روابط عمومی، محمدجواد ساوری اظهار کرد: مرمت بافت تاریخی گرگان



۰۱۷۳۳۲۵۱۳۱۶

واقع در گلستان بخش ۷ حوزه ثبتی ملک رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی (علی ترک لاله باغ دارنده سند اصلاحات ارضی به شماره ۲۹۹۴ مورخ ۱۳۴۹/۰۱/۳۰) در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلامه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۴۲/۰۶/۱۳ (دوشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ (چهارشنبه) مجتبی گلچین سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک رامیان - م الف: ۱۰۰۵۹

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۲

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳-آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می‌دارد که پرونده‌هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می‌شود: ۱- آرای شماره ۱۴۶۰/۱۰۰۰/۱۳۴۲ و ۱۴۶۰/۳۱۲۰/۱۰۰۰/۲۹ پرونده کلاسه ۱۴۰۲/۱۱/۱۴۴۲ تصرفات مفروضی و مالکانه آقای مجید ترک لاله باغ فرزند رضا به شماره شناسنامه ۴۰۱ داتر بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۷۱/۱۳ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۴-اصلی

تفریق

فیلم های لورفته، چیزی جز سانسور نوین نمی تواند باشد!

از مانی تا ساراماگو



علی درزی

تفریق مانی حقیقی برای رمان خوان ها، همزاد ژوزه ساراماگو و برای فیلم بین ها، دشمن دنیس ویلنو (اقتباسی از همزاد) را تداعی می کند، برای تحلیل فیلم تفریق بهتر است دشمن را نادیده بگیریم و روی سرچشمه (به زعم من)، یعنی همزاد مانور دهیم. تفریق را می توان ایده ای پروپال یافته از همزاد دانست با این تغییر که بجای یک همزاد، یک جفت همزاد در شهر تهران می شود قصه فیلم. نوید محمد زاده در نقش محسن و جلال، ترانه علیدوستی در نقش بیتا و فرزانه. ابتدا باید به جسارت حقیقی تبریک گفت، او این بار سراغ قصه و فضایی رفته که کمتر به آن پرداخته شده، فیلم یک اتفاق مالخولیایی را در بستر یک واقعیت روایت می کند، فیلم داستان توهمات یک ذهن بیمار و یا در هم فرو رفتن کابوس و واقعیت و نمونه هایی از این دسته نیست، (یعنی فضایی متفاوت از فیلم هایی چون "یادآوری" و "باشگاه مشت زنی" و "بو می ترسد" دارد.) حتی مانند فیلم های لانتیموس که یک اتفاق عجیب و غیر واقعی را در دنیای واقعی جای می دهد هم نیست. تفریق فضایی مانند رمان های ساراماگو را دارد، اتفاقی که می افتد می تواند محتمل باشد، اما انگاری امکانش فقط در همان رمان قابل باور است! تفریق با المان هایی مانند باران همیشگی، رعد برق در آسمان بی ابر و پیدا شدن یک جفت زن و مرد همزاد، داستان را به سمت عجیب بودن می برد، اگر اهل فن خرده ای بر من نگیرند بگذارید به مینیمال ترین شکل ممکن بگویم: عجیب ولی باور کردنی می شود رئالیسم جادویی و عجیب و غیر قابل باور می شود سورئال، البته بماند که بین همین دو تعریف می تواند ده ها تعریف دیگر در عرصه سینما وجود داشته باشد که هر کارگردان سبک روایت مخصوص به خودش را دارد. مانی حقیقی در این زمینه صاحب سبک نیست، اما در روند فیلم سازی اش در حال آزمون و خطاست. یک اتفاق عجیب در کارگردان مشغول کارند، یک خواسته عجیب در پذیرایی ساده، یک قاتل عجیب در خوک، یک کنج پنهان در اژدها وارد می شود و یک جفت زوج همسان در تفریق. حقیقی به واسطه ورود به این فضا از قصه و فیلم سازی، برای من بسیار قابل احترام است، شاید مانند پدر بزرگ تازه در گذشته همیشه مدعی اش، او هم بتواند در این مسیر، فتح بایی در عرصه فیلم های کالتی باشد که در آینده به کلیشه تبدیل شوند!

تفریق دوست دارد بر خط مرزی کابوس و واقعیت طوری حرکت کند که بیننده آن را گم کند و در این گم شدن داستان اصلی خود یعنی تفریق یا حذفی که صورت می گیرد را بگوید. اما در نمای کلی فیلم یک ایده از رمان همزاد برداشته و اساس آن را در پایانی که منجر به حذف شدن یک جفت از این دو زوج می شود، پی ریزی کرده! البته پاناش با غافلگیری نسبتا خوبی هم در حذف کردن برخوردار است. (البته خدا را صد هزار مرتبه شکر که، چون فیلم برای اکران در سینما ساخته شده بود، یقینا تأثیری که سانسور در مرحله پیش نویس در ذهن نویسندگان بوجود می آورد، اجازه نمی داد دو هم جنس حذف بشوند!) اما راه رسیدن به این پایان توسط این ایده، یک هزار



با پیرمرد حراستی و دعوی اواسط فیلم با جلال هم پوشش داده نمی شود. چطور بچه توسط محسن، آن همه وقت در توالت بیمارستان رها می شود؟ فیلم در خط رتالش پخته نیست، دومینو اتفاقات خام دستانه به سمت پایان قابل قبول همراه با غافلگیری به یکدیگر می خورند تا تفریق صورت بگیرد. فیلم غلیظ است، غلظت بار معنایی اسمها، جغرافیای معلوم و مجهولش، شغل ها، ورزشگاه، بیماری ها، ماشین ها و ... در هیچ محلول مخاطب عامی رقیق نمی شود، در خیال یا کابوس هم آن پختگی دیده نمی شود، چیزی جز همان ایده طلایی و پایانی نسبتا خوب برای فیلم باقی نمی ماند.

تفریق



سالار کارگر

مانی حقیقی (اگر پنجاه کیلو آلبالوی منحن را در نظر نگیریم) فیلمسازی است که به ظرفیت های بکر سینمای ایران علاقه نشان می دهد. سینمای ایران را در چند کلمه می توان خلاصه کرد: کمدی (بخوانید مضحکه) - دفاع مقدس - اجتماعی (اگر فرض بگیریم چنین ژانری وجود دارد) و سینمای کودک. به جز این می توان از یک سینمای خارج جریان اصلی سینمای ایران هم نام برد. فیلم های آوانگاردی مثل مادر قلب اتمی، چند تجربه ترسناک، این شب - خوابگاه دختران - پستیچی سه بار در نمی زند، و سینمای تجربه گرایی با گرایشات پست مدرن همچون فیلم های مکرری و فرشباف. مانی حقیقی با «اژدها وارد می شود» و «خوک» و اکنون هم با تفریق این خط نامعمول سینما در ایران را پی می گیرد و نشان می دهد چقدر ظرفیت ها و داستان های جدید گفته نشده و تازه در ایران امکان ساخت و پرداخت دارند و ما چسبیده ایم به یک

توی بی ثمر است، یک شتر گاو پلنگ به تمام معنا، که با توجه به خوک و اژدها وارد می شود، این شتر گاو پلنگ گویا عمدی و مورد علاقه مولف است، عمدی که با از درک من مخاطب خارج است و یا واقعا به مرحله کدگشایی نمی رسد. برای یافتن مضمون ابتدا به جمله که در مقدمه رمان آمده و یک جمله از خود رمان اشاره می کنم:

«از ته دل باور دارم بسا افکاری که از سر می رانم و پروردگار آن ها را برای انسانی دیگر در نظر داشته است.» «کلمه همسان که امروزه اروپایی زبانان از آن استفاده می کنند از ریشه لاتین تالیس گرفته شده و بعدها به تالیون یا همان قصاص تغییر یافته است. که در ماجرای داستان ما نه تنها جرم ها بلکه مجرم ها نیز همسان بودند.» نمیتوان تفریق را منفک از همزاد ساراماگو دانست، ولی آیا این دو مفهوم در فیلم پیداست؟ همسانی جرم ها و مجرم ها، قصاصی که باعث حذف شود، و یا همسانی در ظاهر دو فرد و تفاوت در نهاد با من یا فرا من؟ کلام یک از این ها در شاکله شخصیت ها پی ریزی شده؟ هیچکدام. اگر هم باشد یقینا فرامتی است، چه بسا که گفتم: فقط می تواند همان ایده یک جفت همزاد را از رمان گرفته باشد و دیگر هیچ. اگر آن را برداشتی آزاد بدانی، برداشت آزاد فیلم چیست؟ زوجی اشتباه که در گذشته شکل گرفته شده اند و اکنون قرار است تصحیح صورت بگیرد و این تصحیح منجر به بدترین نوع حذف شده؟ قصاصی که جلال درگیرش می شود؟ یا عشق واقعی به نرسیدن است؟ قاتل های نهاده به هم می رسند؟ یکی که سعی در کشتن دیگران دارد و دوست ندارد که با جلال باشد اگر بیبا در شب آخر دوست ندارد که با جلال باشد و محسن را از همین راه شناسایی می کند، پس چه داستانی بین شان بوده؟ چه عشق افلاطونی بینشان در گرفته که ما از آن بی خبریم؟ عشقی که بجای رز سفید، نمادش واشر لاستیکی است؟! ضد کلیشه ای معلق ساخته می شود که قبل از انفجار ماشین به کلیشه ترین شکل سینمایی اش در می آید!

در سینما ابزاری وجود دارد به نام بازی، نگاه بچه به فرزانه نمی تواند به ما بفهماند که بچه فهمیده که فرزانه مادرش نیست؟ او چرا باید تنها در باران بدود و رازش را به پدر جلال بگوید؟

فیلم یقینا از قواعد رئال پیروی می کند، چرا جلال باید از روز بازی نیمه جان پست ورزشگاه افتاده باشد و هیچ حرکتی نداشته باشد (با دعوی اول فیلم محسن

سینمای سیاه به اصلاح اجتماعی که شرح مصائب زیستن در ایران است یا مسخره بازی و لودگی های مبتدلی که به اسم کمدی روانه بازار می شود. حقیقی این مسیر را مشخصا و جدی از اژدها وارد می شود آغاز می کند و این فرم را در خوک پرورش یافته تر و پخته تر دنبال می کند. مولفه های فرمیک این دو در تفریق هم دنبال می شوند. بحث این نیست که حقیقی یک مولف است. قطعا نیست اما تشابهاتی غیر قابل انکار در این سه فیلم هست خصوصا در دو مورد. اولی فضاست. حقیقی برای روایت داستانش فضا خلق می کند. فضایی برای خودش خارج از فضای واقعی می سازد. در اژدها وارد می شود و تفریق این بُعد تر است. اولی یک کشتی به ساحل نشسته و فضای خالی اطرافش و تفریق شهری که درش باران قطع نمی شود حتی وقتی آسمان آفتابست. دوم هم لحن صحبت کردن ساده و مرموز و ترسناک شخصیت هاست. شخصیت ها برخلاف واقعیت ساده و آرام صحبت می کنند. مولفه های دیگری را هم ممکن است بتوان شناسایی کرد همچون موسیقی خاص هر سه فیلم و مدیوم شات های زیاد ولی هیچ کدام از مولفه هایی که گفتم را نمی توان به عنوان یک کل منسجم در فرم به حساب آورد چرا که حقیقی عملا فرم خودش را ساخته که مولفه های تکرار شونده داشته باشد. صرفا اینها مشابهت هایی در فیلم هایش است نه چیزی بیشتر. بیشتر از این را باید در فیلم های مکرری و علی احمدزاده جستجو کرد. و اما تفریق. داستان یک زوج که یک زوج شبیه به خودشان را پیدا می کنند. به قول فرزانه (ترانه علی دوستی) کپ خودشان را. بحثی هست بر سر شباهت این فیلم با فیلم دشمن ۲۰۱۳ ساخته دنی ویلنو. که به نظرم این که بگویم فیلم حقیقی از دشمن کپی کرده یا الگو برداری کرده یا الهام گرفته حرف نارواییست. اول این که فیلم داستان یک همزاد را روایت کند چیز جدیدی نیست و اولین بار هم ویلنو این داستان را روایت نکرده. نمونه پخته و بینظیرش فیلم مرد عوضی ساخته آلفرد هیچکاک ۱۹۵۶ است. ولی خوب این که ایده اصلی فیلم همزاد باشد دلیل نمی شود دیگری با همین ایده فیلم نسازد. اگر کسی فیلم در مورد داستان روابط عاشقانه دو نفر یا داستان سرعت یک بانک یا داستان خیانت زوجین یا... فیلمی بسازد دلیل می شود بقیه آن را نسازند یا اگر بسازند کپی کرده اند؟ مهم مواجهه فیلمسازها به این ایده هاست. فیلم دنی ویلنو روایت روانشاختی جنسی دو زوج است مشخصا با تأکید بر امر سکچوالیته و فانتزی های جنسی و عملا ربطی به هم ندارند. تفریق تماما متفاوت است. داستان از جایی شروع می شود که فرزانه در خیابان همسرش جلال را می بیند (نوید محمد زاده) و دنبالش می کند. چرا دنبالش می کند؟ چرا نمی رود پیشش؟ همسرش آن زمان بندر عباس بوده و اگر در شهرستان همسر را ببیند عرفا باید برود و صحبتی بکند و خبری بگیرد. این شک از کجا می آید؟ با توجه به رابطه ای که از این دو ساخته می شود و شخصیت پردازی (اگر فرض بگیریم معرفی آدم های فیلم شخصیت پردازی است) این زوج خصوصا جلال نه مرد خیانت کار بوده و نه فرزانه زنی شکاک. مریض هست ولی شکاک هم؟ فرزانه که احتمالا شیزوفران است (بیماری فرزانه در فیلم عنوان نمی شود) اگر داروهایش را بخورد بچه اش می افتد. بگویم چون دارو نخورده شکاک شده. که شکاک شدن از وسواس (آبسن) می آید نه شیزوفرانی. چرا در ادامه این شک را پی نمی گیرد. دیگر به همسرش مشکوک نیست؟ منظورم بعد از پیدا کردن همزادشان است. زوجین هم دیگر را پیدا می کنند و متوجه می شوند تماما شبیه همدند. خوب اتفاقات جالبی است ولی آیا آفتد را هم مهم هست که زندگی و روانشان خصوصا روان فرزانه به هم بریزد؟ فرزانه به خانه همزادش بیتا می رود. بیتا می پرسد چیزی شده؟ فرزانه متعجب جواب می دهد چیزی شده؟ که منظورش این است که مرا نمی بینی؟ چیزی نشده؟ ما مثل همیم. ولی واقعا این قدر مهم هست؟ برای فرزانه شاید. کسی که بیشتر از همه به هم میریزد فرزانه است. چون نمی تواند باور کند. فکر می کند چون قرص نمی خورد توهم زده و نسبت به همزادهاشان دچار یک وسواس می شود. مشکل اصلی فیلم در فرم روایی اش دقیقا همینجاست. در شهری هستیم که همیشه باران



می‌بارد. حتی وقتی ابری نیست. فرزانه از این موضوع اطلاع کامل دارد که اتفاقات غیر عادی در حال رخ دادن است. هم مسئله باران و هم مسئله همزادها. حال سعی می‌شود یک کشمکش ایجاد شود: فرزانه زنی باردار مبتلا به شیروزوفرنی با اتفاقاتی عجیب و غیر قابل باور مواجه می‌شود. او که به علت سلامت بچه اش نباید دارو مصرف کند، کم‌کم دچار وسواس می‌شود. آیا در توهم است یا همه چیز واقعی است؟ باید بین سلامت روان خود و سلامت کودکی که حمل می‌کند یکی را انتخاب کند. کار به جایی می‌رسد که دیگر نمی‌تواند تحمل کند و قرص می‌خورد. ولی نه باران قطع می‌شود و نه همزاد هایش از بین می‌روند. او که با اینکار باعث مرگ بچه اش می‌شود روانش فرو می‌ریزد و اقدام به خودکشی می‌کند ولی بی‌تأثیر است و او را نجات می‌دهد. محسن همزاد جلال بعد از قتل همسرش و همزادش به فرزانه می‌گوید عوض بچه ایی که از دست دادی بچه مادر بچه من باش و فرزانه اینگونه بر دیا پسر بی‌تا و محسن را جای کودک از دست رفته اش می‌کند. میبینیم که اگر اینگونه به داستان نگاه کنیم شخصیت محوری ما فرزانه است. اوست که باید انتخاب کند و راهی را انتخاب کند ولی فیلم اینگونه نیست! شخصیت‌هایی که بیشتر فیلم بهشان می‌پردازد جلال و بیتا است و رابطه این دو. محسن و فرزانه بیشتر گره های داستانی این دو شخصیت هستند که ما از طریق همسرانشان به آنها نزدیک می‌شویم. فرزانه نه کنشگر است و نه راهی. پس مطمئناً ما با یک فضای شیروزوفرنیک یا مالیخولیایی که فرزانه تجربه می‌کند مواجه نیستیم. گرچه روایت فیلم باید از سمت فرزانه می‌بود. فرزانه باید متوجه همزادها می‌شد نه جلال. و اگر همه چیز واقعاً بهم بود باید باران قطع می‌شد و همزادها ناپدید و حال فرزانه باید با مرگ بچه اش مواجه می‌شد و... . جدای این اگر فرزانه باید قرص بخورد چون بیمار است چرا قبل و بعد از قرص خوردنش فرقی نیست؟ چرا قرص هیچ چیز (جدا) باران و همزادش) را تغییر نمی‌دهد؟ اصلاً واقعا بیمار است؟ همسرش و پزشکش می‌گویند بیمار است ولی چیزی که از او میبینیم با چیزی که گفته می‌شود تفاوت دارد. پس طبق منطق روایی فیلم این فضای مالیخولیایی نه از طرف فرزانه که از خود فیلم است. حال داستان عوض می‌شود: در یک شهر عجیب که باران قطع نمی‌شود یک زوج همزاد خودشان را پیدا می‌کنند. این دو زوج یکی مردمی فقیراند و دیگری مردمی متمول. زن فقیر افسرده است درگیر اختلالات روانی که زندگی را برای همسرش سخت کرده. زن متمول اما شاد و سرزنده. مرد فقیر مهربان است و فداکار و به فکر ولی همزادش عصبی و بی فکر است و نمی‌تواند با همسر خود زندگی زناشویی درستی داشته باشد. زوج پولدار مثلاً بورژوا از زوج طبقه فرودست بهره‌کشی می‌کند و برای حل مشکلاتشان از آنها استفاده ابزاری می‌کنند. از تعمیر موتورخانه تا کتک خوردن و گرفتن رضایت. ترمیم روابط بردیا (پسر همسران بورژوا) با پدرش و حل مشکل بی مادر شدن بردیا. یعنی در زیر متن تفریق یک سویه مارکسیستی-سوسیالیستی پیدا می‌شود؟ یا یک رویکرد مرد سالارانه که مرد بورژوا از زنان هر دو طبقه و مردهای طبقه فرودست بهره‌کشی می‌کند و با آسیب به آنها مشکلاتش را رفع می‌کند؟

این روایت مارکسیستی-فمینیستی هم دچار اشکال است. اگر مرد بورژوا قرار باشد مشکلاتش را اینگونه رفع کند اولاً خودش باید کنشگر داستان و راهی باشد. که گفتیم اینگونه نیست. این زن بورژوا است که مشکلات را با کمک جلال حل می‌کند و محسن بیشتر خودش مشکل است تا وقتی که بیتا را بکشد و آن وقت زن جلال را به عنوان راه حل جایگزین بیتا و بی مادری بردیا بکند. اگر هم قرار باشد داستان بهره‌کشی زوج فقیر از طرف جلال و بیتا بلکه از طرف جلال فرزانه باشد. رابطه‌ای که انگار زوج درست اینها بودند و اینا باید باهم باشند. پس اگر بحث بر سر رابطه بیتا و جلال است داستان شکل دیگری می‌گیرد: در یک فضای وهمی مالیخولیایی دو زوج به شکل غریبی شبیه همدن. بیتا و جلال رابطه ایی صمیمی برقرار می‌کنند و سعی در حل مشکلات هم دارند. آنان در ازدواج خود به مشکل

خورده اند و حس می‌کنند رابطه خودشان بهتر از رابطه با همسرانشان است ولی از آنجایی که هر کدام ازدواج کرده‌اند نمی‌توانند با هم باشند تا اینکه محسن هر دو را به قتل می‌رساند و بعد از مرگ این دو به هم می‌رسند. اگر اینگونه است چرا فیلم به بیماری فرزانه نه تماماً به عنوان یک مشکل بلکه به عنوان یک سوژه می‌پردازد؟ چرا محسن و مشکلاتش به عنوان گره های داستان مطرح می‌شوند و فیلم به رابطه این دو (بیتا و جلال) نمی‌پردازد؟ (به جز پدری کردن جلال برای بردیا) و دیگر این فضای رعب انگیز وهم آلود و مویف باران چه می‌گوید؟ چرا بیتا و جلال در پی رابطه خودشان نیستند؟ اگر داستان این باشد بیتا و جلال باید (یک) روایان اصلی فیلم باشند که هستند. (دو) کنشگر و فعال باشند که هستند. (سه) برای مقاصد خود و رابطه‌شان دست به اقدام بزنند که نمی‌زنند. مثلاً جلال و بیتا که زوجی بهتر هستند بگذارند محسن با مسئله طلب رضایت مواجه شود. او قطعاً عذر خواهی نخواهد کرد و مجبور است به کرمان برود. همسر جلال هم که بیمار است و بعد از خوردن قرص خودش را می‌کشد و او هم حذف می‌شود و این دو می‌توانند که هم برسند. تلاش های بیتا و جلال نه برای خودشان بلکه برای همسران نا مطلوبشان است و در این روایت هم حفره ها و مسائلی وجود دارد. علت این مشکل تفریق در چندپارگی فرم روایی است. روای کس دیگری است ولی نقطه نظر فیلم از شخصیتی دیگر و کنشگر هم شخصی دیگر که هدف کنشش با خودش هماهنگ نیست! حقیقی انسجامی در فرم روایی ندارد که یکی از داستان های مفروض را بگیرد و جلو برود. اهمیت همزاد بودن، وهم آلود بودن شهر باران و رعد های بی منطق از منظر فرزانه است روایت گر بیتا و جلال و گره هایی که باید باز شوند برای محسن و سپس فرزانه. اگر داستان سوم روایت درست است باید با یک فیلم عاشقانه طرف باشیم. اگر روایت دومی باشد یک فیلم ساختارگرای مارکسیستی-فمینیستی. اگر اولی باشد یک فیلم روانکاوانه. ولی فیلم هیچ کدام نیست!

مشکل دیگر فرم روایی تفریق در داستان گویی است. جدای از اینکه پیچیدگی داستانی ندارد و از اول هر پرده می‌توان آخر آن پرده را حدس زد، سرعت فیلم بسیار نامناسب است. پرده اول که طرح مسئله همزاد هاست چهل و پنج دقیقه (تقریباً نصف فیلم) طول می‌کشد در حالی که خیلی اضافه است و مخاطب هر آنچه در این پرده باید متوجه می‌شد را خیلی زود تر متوجه شده. در رخ دادن اتفاقات هم همین است. فیلم کلاً از لحاظ زمانی از مخاطبش عقب است. مخاطب جلو جلودر رفته ولی فیلم پا به پای او جلو نمی‌رود. جدای این به مسائل فیلم به سوالاتی که ایجاد می‌کند جواب نمی‌دهد. نه از عمد طوری که فرمش اینگونه باشد. جواب نمی‌دهد چون به تبع چندپارگی فرم روایی اش نمی‌تواند جوابی دهد. در شخصیت پردازی هم فیلم ضعیف است. اولاً که تمام همه تیپ های ساده ایی هستند که با اولین

برخورد متوجه شخصیتشان می‌شویم. دو ما اینکه بیشتر از اینکه با داستان طرف باشیم با قصه طرفیم. شخصیت ها هیچ تحولی ندارند. به هیچ آگاهی نمی‌رسند. هیچ کاراکتر آرکی نداریم. همان آدم های اول فیلم آخر فیلم هم هستند. اگر محسن آدم می‌کشد نه چون به آگاهی خاصی رسیده یا نه چون تغییری کرده، از همان اول از این آدم بر می‌آید که اینگونه رفتار کند. تفریق نان دو چیز را می‌خورد. یک کونه بینی سینمای ایران که هیچ داستانی شبیه تفریق درش ساخته نشده و دو موسیقی که به جد فضای تفریق مروهون آن است. موسیقی تماماً فضا می‌سازد و در خدمت فیلم است. هم چنین بازی بازیگران با اینکه ساده است اما با گرمی لحن و میمیکری که به شخصیت ها داده شده تفکیک همزاد هایی که شخصیت هایی کاملاً متفاوت دارند را به ارمان آورده است. قطعاً تفریق یک قدم رو به جلو نسبت به خوک در ایجاد یک فرم سینمایی نیست و برعکس فیلم عقب تر از خوک هم هست. خوک در فرم بصری کار هایی کرده. در داستان کم نمی‌آورد و سر زنده تر از تفریق است. حقیقی سعی دارد جای پایش را در سینمای ایران در جایی محکم کند که مکرری و احمد زاده و فرشیداف مجالی برای حضور او نمی‌دهند.

کپی یا شباهت؟



محمد صالح فصیحی

برخی می‌گویند که تفریق، خود داستان جدایی است و تفاوت زیادی با فیلم دشمن دارد. خب منظور از تفاوت چیست؟ اینکه کارگردان و بازیگر دشمن مثلاً فرق دارد با تفریق؟ اینکه حقیقی درین جا از بارانی مدام استفاده کرده و در دشمن همچو چیزی نیست؟ ما در ابتدا، درین جا همچو فرصتی را نداریم که تمام عناصر و المان هایی را که در این دو فیلم است، بررسی کنیم. اما فعلاً برای ورود به مطلب این را می‌گویم که به نظر تان چرا ما وقتی پای تشابه تفریق و دشمن میفتیم، به یاد مرد عوضی هیچکاک نمیفتیم و یا بخش هایی از سریال دارک؟ فیلم حقیقی اگر هم مشابه نباشد به دشمن - هر چند ما با این تشبیه و مقایسه ی مداوم، داریم از ارزش فیلم دشمن میکاهیم - باز روابط مرد و زن و چگونگی آشناسدن با آن یکی آدمی که شبیه شخصیت است، باز به هم شبیه‌اند. تازه این چیزی نیست که بخواهیم راحت ازش رد شویم. مثل اینست

که شما بنشین می‌بینی میان ستاره ای نولان را ببینی و یاد اودیسه ی کوبریک نیفتی و یا با دیدن هیچکس، یاد جان ویک نیفتی. میشود؟ یک وقتی هست که موضوع، موضوعی عام است - مثل مرگ یا عشق یا زندگی یا انتقام - و توی هزارتا فیلم هم مطرح میشود و کسی نمی‌گوید که به عنوان مثال فیلم لالاند شبیه است به فانی فیس؛ چرا نمی‌گوید؟ مگر در هردو موسیقی و عشق نیست؟ چرا. منتهی تفاوت پرداخت ساختار سه پرده ای در لالاند با سه پرده ای فانی فیس متفاوت است. اما وقتی در تفریق شما شبیه دشمن مرد و زنی را به هم میندازی و از آن سو درست کار نمیکنی رو جنبه ی روانشناختی والد و بالغ و کودک - در چهار فرد شبیه به هم - و هم وقتی که خرده پیرنگ دعوی با پیرمرد و انتقالی هم کامل تمام نمیشود و ما نمیفهمیم که چرا ناقص ول میشود و آنها در تهران میمانند و بچه با جلال می‌رود به ورزشگاه و از آن سو با هر مونتیک و یا با واکنش مخاطب و هزارتا شاید-شاید است که باید درباره فرزانه و انداختن بچه اش حدس و گمان بزنیم، این موقع است که شما شک میکنی که حقیقی ایده ای را گرفته ولی نتوانسته آن را خوب از کار دربیآورد و شباهت ایده اش هم به ایده ی دشمن صرفاً باعث شده که فیلم خودش مدام در مرتبه ی فروتر قرار بگیرد. چرا اینها را می‌گویم من؟ چون چگونگی فرم حقیقی در دشمن، با پایان بسته اش، و روای سوم شخص اش، اصلاً راه نمیدهد به ما که بگوییم اگر جایی کم گفته و جایی زیاد گفته، پس فلان دلیل هنری یا زیباشناختی در میان است. فیلم قراست شاه پیرنگ باشد، قراست انگیزه ی شخصیت ها معلوم باشد. علت و معلول ها پیرنگ را جلو برد و به اندازه و در زمان درست. اما انگیزه ی شخصیت برای شخصیت ها چیست؟ اینکه همه عادی عادی باشند میشود شخصیت؟ هیچ تمایزی نباشد در میان میشود شخصیت؟ کل تفاوت فرزانه و بیتا باید خط چشم بیتا باشد و موهایش؟ همین؟ یک مورد دیگری هم هست که من بهش نمیپردازم و دوستم در نسخه ی پیش از انتشار نقدش در همین صفحه به من داد و خواندمش؛ و آن تفسیرهای روانشناختی و مارکسیستی ای هست که ممکن است از فیلم حقیقی برداشت شود. اما خب همه اش «ممکن» است و چیزی قطعی نیست. حقیقی دست به عصاست و ترسو است و وصله کردن این برداشت های ذهن پرکن به تفریق او، با در کردن فیلمی است که از بیخ و بن تهی است. اگر قرار باشد نقلی مارکسیستی رو تفریق نوشته شود، خیلی قبلش باید از علیدوستی پرسید که هزینه های شهرزادان چه شد و از حقیقی پرسید که با چه هزینه هایی توانسته محملزاده و علیدوستی را به کار بگیرد و فیلم جدید مثلاً هنری ای بسازد؟



آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان با استناد به ماده ۳۰ آیین نامه معاملات شهرداری ها در نظر دارد به منظور اجرای پروژه های عمرانی نسبت به فروش املاک خود بر مبنای پایه قیمت کارشناسی رسمی شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. لذا متقاضیان میتوانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ به سایت اینترنتی به آدرس WWW.Setadiran.ir مراجعه و از شرایط و نحوه واگذاری موضوع آگهی اطلاع حاصل نموده و در صورت تمایل به شرکت در مزایده با، اسناد و مدارک مورد نیاز مزایده را از سامانه ستاد ایران به صورت الکترونیکی دریافت نمایند.

شماره قواره	مساحت متر مربع (تقریبی)	وضعیت سند	نشانی ملک	قیمت پایه هر متر مربع	جمع کل پایه مزایده (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)
۱	۴۲۶/۴۵	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۳۱/۹۸۳/۷۵۰/۰۰۰	۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	۳۱۸/۲۷	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۴۶۱/۶۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	۳۲۲/۶۲	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۸۰۹/۶۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	۳۱۰/۹۳	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۸۷۴/۴۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۵	۲۹۷/۲۴	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۳/۷۷۹/۲۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۶	۲۸۹/۳۹	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۱۵۱/۲۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۷	۲۸۸/۶۲	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۰۸۹/۶۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۸	۲۸۷/۹۷	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۰۳۳/۶۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۹	۲۸۸/۹۹	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۱۱۹/۲۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۰	۲۹۴/۰۹	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۵۲۷/۲۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۱	۲۹۹/۳۶	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۳/۹۴۸/۸۰۰/۰۰۰	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۲	۳۰۱/۱۸	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۰/۳۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۳	۲۹۹/۳۵	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۴۴۴/۷۵۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۴	۳۱۸/۳۶	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۰۶۰/۶۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۵	۳۴۵/۲۲	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۹/۳۴۳/۲۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۶	۲۹۹/۰۹	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۴۲۲/۶۵۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۷	۲۹۹/۰۴	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۴۱۸/۴۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۸	۳۲۲/۳۰	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۷۸۴/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۱۹	۳۲۵/۸۶	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۶/۰۶۸/۸۰۰/۰۰۰	۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۰	۳۲۹/۴۲	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۶/۳۵۳/۶۰۰/۰۰۰	۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۱	۳۳۲/۹۶	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۶/۶۳۶/۸۰۰/۰۰۰	۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۲	۳۳۶/۴۵	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۶/۹۱۶/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۳	۳۳۹/۸۸	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۱۹۰/۴۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۴	۳۴۴/۲۷	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۴۶۱/۶۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۵	۳۴۶/۵۸	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۷۲۶/۴۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۶	۳۴۹/۸۸	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۹۹۰/۴۰۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۷	۳۵۳/۰۲	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۸/۲۴۱/۶۰۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲۸	۶۰۵/۹۱	فاقد سند	بلوار هیرکان - هیرکان ۶	۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۴۵/۴۴۳/۲۵۰/۰۰۰	۲/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
-	۴۶۶/۵	دارای سند به پلاک ۸ ارض از ۱۳۱۲ اصلی	خیابان شهید رجایی - گلشن ۱۹ - شهید دهرویه ۲	۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۷۴/۶۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
غرفه ۱۲۹	۹۲	فاقد سند	میدانبار سزی	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۶/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
غرفه ۱۳۰	۸۲	فاقد سند	میدانبار سزی	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
غرفه ۱۳۱	۸۰	فاقد سند	میدانبار سزی	۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
غرفه ۱۳۲	۸۸	فاقد سند	میدانبار سزی	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

تلفن تماس: امور قراردادها: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲ | اداره املاک: ۰۱۷۳۲۲۴۱۳۲۰ | سید محمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۶۱۱۵۱



معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان از وجود محدودیت برای تامین زمین ویژه ساخت مسکن در گلستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، مهدی مهبیایی گفت: برای تامین زمین ویژه ساخت مسکن محدودیت وجود دارد زیرا اراضی درجه یک و دو کشاورزی امکان الحاق به بافت روستایی را ندارند. وی افزود: برای حل این مشکل مکاتباتی را با مسئولان کشوری انجام دادیم تا این قانون برای استان های شمالی حذف شود. معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان گفت: روند پرداخت تسهیلات به متقاضیان در بانک های استان کمی کند است و امیدواریم بانک ها در این زمینه همکاری لازم را داشته باشند.

وجود محدودیت برای تامین زمین ویژه ساخت مسکن در گلستان

بازگشت آشوراده به مردم



ماجرا چه بود؟

در سال ۱۳۷۱ پس از بالا آمدن سطح دریا و جاری شدن آب در جزیره آشوراده، مردم روستا به ناچار مجبور به ترک محل زندگی خود شدند. در این راستا و برای ساماندهی ساکنان این جزیره، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در راستای تکريم شهروندان و فراهم کردن شرایط مناسب برای زندگی این عزیزان، بخشی از اراضی تحت مالکیت خود در شهرستان بندر ترکمن را برای اسکان در اختیار این افراد قرار داد و به ازای آن، مردم ۱۹ هکتار از اراضی تحت مالکیت خود را به نام بنیاد مسکن انقلاب اسلامی منتقل کردند. در این بین به دلیل آنکه جزیره آشوراده سالها بدون سکنه بوده، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری کل جزیره آشوراده را به عنوان اراضی ملی اعلام کرد و برای آن سند گرفت. در پی دستور رییس جمهور مبنی بر تعیین تکلیف سریع طرح گردشگری جزیره آشوراده و دستورات قاطع برای اجرای این طرح و صدور مجوزهای مد نظر، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی برای تعیین تکلیف این اراضی دادخواستی را به دستگاه قضایی تقدیم کرد. در سفر اخیر رییس قوه قضاییه به گلستان در ۲۶ مرداد امسال، محسنی اژه‌ای دستورات لازم را برای تعیین تکلیف سریع پرونده صادر کرد که موضوع در جلسات فوق العاده شعبه دوم دادگاه حقوقی گرگان بررسی شد و در نهایت با بررسی مستندات و دلایل ارائه شده، دادگاه حکم به ابطال رای کمیسیون و برگ تشخیص منابع ملی و ابطال سند منابع طبیعی در خصوص عرصه ۱۹ هکتاری جزیره آشوراده را در تاریخ ششم شهریور امسال صادر کرد. در ادامه، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری به رای صادره اعتراض کرد که در نهم شهریور جلسات دادرسی در شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان برگزار شد و در نهایت دادگاه تجدید نظر پس از بررسی مستندات و ادله لازم، تجدید نظر خواهی منابع طبیعی را رد و دادنامه بدوی مبنی بر ابطال برگ تشخیص رای کمیسیون و ابطال سند اداره منابع طبیعی در عرصه اختلافی را تایید کرد. با صدور این رای قطعی و حل مشکل حقوقی زمین‌های این روستای متروکه که در جزیره آشوراده قرار دارد، مقدمات اجرای طرح گردشگری آشوراده که از ۲۵ سال پیش تاکنون معطل مانده است، فراهم گردید. رییس قوه قضاییه روز شنبه در ارتباط ویدئو کنفرانسی با دادگستری گلستان با تشریح فرایند حل مسائل حقوقی طرح گردشگری جزیره آشوراده گفت: در جریان سفر آذر ۱۴۰۰ به این استان در جریان جزئیات

آشوراده نام آشنایی برای اهالی گلستان و طبیعت گردان است. تنها جزیره ایرانی دریای خزر که از چند دهه قبل گرفتار مناقشاتی برای اجرای طرح‌های گردشگری بود تا این که در نهایت با کمک دولت و ورود قوه قضاییه، این گره قدیمی باز شد و دادگاه با صدور رای قطعی، اراضی مدنظر را از اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری پس گرفت و به صاحبان اصلی یعنی مردم تحویل داد. به گزارش ایرنا، از چند دهه قبل قرار بود با بنا کردن زیرساخت‌های گردشگری، آشوراده به قطب درآمدزایی گلستان تبدیل شود اما همه آن رویاها و برنامه‌ها به جایی نرسید و هر بار سنگی کوچک یا بزرگ بر سر اجرای طرح‌های آن قرار گرفت. اجرای طرح ملی گردشگری و طبیعت گردی در تنها جزیره ایرانی دریای خزر یکی از مطالبه‌های مهم مردم و مسوولان گلستان در دهه‌های اخیر بوده و حتی اجرای آن سال ۹۳ در سفر استانی هیات دولت به تصویب رسید. با وجود آغاز اجرای طرح گردشگری آشوراده در سال ۱۳۹۷ کسب و قوس میان حامیان محیط زیست و مدیران اجرایی استان سبب شد تا مساحت اجرایی این طرح از ۳۸۰ هکتار به ۳۸ هکتار و در نهایت به ۲۲ هکتار و در مجاورت بافت مسکونی و متروکه فعلی آشوراده و با هدف وارد نشدن آسیب به این زیستگاه منحصر به فرد، محدود شود. با وجود کسب و قوس فراوان و تعلل انجام شده برای اجرای این طرح در گلستان، دولت سیزدهم به این مطالبه بحق مردم استان توجه ویژه کرده و طرح ملی گردشگری و طبیعت گردی آشوراده را مورد تاکید قرار داد. موضوع پروژه طبیعت گردی جزیره آشوراده منطبق با معیارهای محیط زیستی در محدوده ۲۲ هکتاری به عنوان یکی از موضوعات مهم و دارای اولویت رییس جمهور در سفر استانی ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۰ به گلستان مطرح و بر حل موانع آن در سطح ملی تاکید شد. حمایت رییس جمهور از اجرای طرح مزبور سبب شد تا پیگیری استاندار گلستان با همراهی دستگاه های مرتبط استانی برای رفع موانع ملی دوچندان شود و تاییدیه نهایی اخیر کمیته ملی طبیعت گردی کشور بر اجرای آن، راه را برای دستگاه‌های مرتبط در ایجاد زیرساخت‌ها و استفاده از این ظرفیت منحصر به فرد برای رونق گردشگری استان هموار کند. با وجود این حمایت‌ها، همچنان مشکلاتی بزرگ بر سر راه اجرای این طرح قرار داشت و آن هم مالکیت اراضی مورد نظر اجرای طرح در مجموعه اراضی ملی بود.

مسئله آشوراده قرار گرفتن و ملاحظه کردم که این جزیره با ظرفیت بالا و مطلوبی که در عرصه گردشگری دارد، کم‌بهره یا بی‌بهره مانده است؛ بنابراین در همان مقطع زمانی دستورات مقتضی رابه مقامات قضایی استان برای همکاری به دولت در این زمینه صادر کردم. محسنی اژه‌ای ادامه داد: تاکید دارم که مجموعه دادگستری استان گلستان پس از حل مسئله حقوقی طرح گردشگری جزیره آشوراده، در سایر جنبه‌ها نیز وفق موازین قانونی، مساعدت‌های لازم را به بخش اجرایی داشته باشد تا کار این جزیره هر چه زودتر سامان یابد و انتفاع آن به مردم گلستان برسد. نماینده ولی فقیه گلستان هم ضمن قدردانی از تلاش‌های دستگاه قضایی و دولت برای حل مشکل طرح گردشگری آشوراده، گفت: بیش از ۲۰ سال بود که در دولت‌های مختلف پیگیر حل و فصل مشکلات اجرای طرح گردشگری آشوراده بودیم که طی ۲ سال گذشته با پیگیری‌های مستمر و مجادله دستگاه قضا و دولت، مسیر اجرای این طرح هموار شد. آیت‌الله کاظم نورمفیدی تصریح کرد: تاکید‌ها و دستورهایی رییس قوه قضاییه در جریان سفر ۲ هفته گذشته به گلستان، موجب تسریع در روند گره‌گشایی از مشکلات حقوقی طرح گردشگری آشوراده شد که اهتمام ویژه دادگستری استان گلستان به حل مشکلات حقوقی پرونده آشوراده در مدت زمان کوتاه و عدم توجه به فرایندها و تشریفات مرسوم در این مورد خاص، جای تقدیر فراوان دارد. رییس کل دادگستری گلستان گفت: پیش‌تر در اجرای طرح گردشگری ۲۲ هکتاری آشوراده که با ملاحظات زیست محیطی صادر شده بود، ممنوعیت امکان بیتوته و اقامت شبانه برای گردشگران به سبب مشکلات زیست محیطی و نبودن روستا در منطقه وجود داشت و طبق اعلام محیط زیست، در این ۲۲ هکتار تنها امکان طبیعت گردی برای گردشگران وجود داشت و آنها نمی‌توانستند در این منطقه اسکان و بیتوته داشته باشند. حیدر آسیابی خاطر نشان کرد: تنها مسیری که امکان اقامت شبانه و بیتوته گردشگران در طرح گردشگری آشوراده را فراهم می‌کرد، بازگرداندن سند ملی روستای آشوراده به بنیاد مسکن و انقلاب اسلامی بود و چنانچه این مانع حقوقی مرتفع نمی‌شد، اجرای طرح گردشگری آشوراده ابر باقی می‌ماند. استاندار گلستان هم ضمن تشریح اقدامات انجام شده برای ساماندهی هرچه سریع‌تر طرح گردشگری آشوراده گفت: به‌سزای روستای آشوراده، اجرای طرح طبیعت گردی در این جزیره و بهره‌مندی از امکانات اردوگاه دانش‌آموزی در آن، در زمره

محورهای مورد پیگیری برای ساماندهی هرچه سریع‌تر آشوراده در راستای انتفاع مردم استان است. علی محمد زنگانه از پیگیری‌ها و همکاری‌های دستگاه قضایی در گلستان برای تعیین تکلیف طرح گردشگری جزیره آشوراده، پتروشیمی گلستان و خلیج گرگان، قدردانی کرد. در حال حاضر تمامی ابنیه و ساختمان‌های قدیمی در روستای جزیره آشوراده باقی است و امکانی همچون پاسگاه ژاندارمری، شرکت تعاونی روستایی، مدرسه راهنمایی، مغازه، مسجد و حسینیه و اردوگاه دانش‌آموزی دیده می‌شود. پروژه طبیعت گردی و گردشگری جزیره آشوراده در گلستان دارای ۲ بخش طبیعت گردی و گردشگری است که بخش گردشگری آن همانند ساخت هتل، بازارچه و سایر ابنیه لازم در مساحت ۱۳۸ هکتار پشتیبان در مجاورت پناهگاه حیات وحش میانکاله در حریم شهر بندر ترکمن پیش‌بینی شده است. جزیره آشوراده تنها جزیره قابل سکونت در دریای خزر است و فرآیند طبیعت گردی جزیره در محدوده ۲۲ هکتار انجام می‌شود و بر اساس مجوزهای صادر شده، اقامت شبانه نیز در بافت قدیم روستای آشوراده انجام خواهد شد که با صدور حکم قطعی دادگاه، صدور مجوزهای بومگردی نیز با سرعت و سهولت بهتری انجام خواهد شد. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان هم با اشاره به این‌که هیچ پروژه‌ای در استان معطل نظر محیط زیست نیست گفت: منعی برای اجرای پروژه طبیعت گردی آشوراده وجود ندارد. محمدرضا کنعانی اظهار کرد: در راستای این طرح و ضرورت حفظ بافت طبیعی این جزیره، اقامت شبانه طرح گردشگری آشوراده به بافت روستا منتقل شد. وی بیان کرد: طرح گردشگری آشوراده در وسعت ۲۲ هکتار اجرا می‌شود و تاکنون نیز ۶ مجوز بوم‌گردی برای مقاصد صادر شده است. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان تاکید کرد: جزیره آشوراده در پناهگاه حیات وحش و ذخیره‌گاه زیست‌کره میانکاله واقع شده و اجرای پروژه‌های گردشگری و طبیعت گردی مستلزم رعایت چهارچوب‌های خاص و استانداردهای دقیق است. وی گفت: مانای فرصت اقامت شبانه برای گردشگران در پروژه طبیعت گردی آشوراده نقش بسزایی در ارتقای وضع اقتصادی و معیشت جوامع محلی ساکن در محدوده پناهگاه حیات وحش میانکاله در روستای قدیمی آشوراده خواهد داشت و تمام اقدامات در جزیره آشوراده بر اساس تاکید استاندار گلستان بر اساس ضوابط زیست محیطی و مجوزهای لازم خواهد بود.

